



گاهنامه سیاسی اجتماعی فالح  
صاحب امتیاز: تشکل خط امام  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد امین متولیا  
طراح و صفحه آرا: شیما رحیمی  
هیئت تحریریه: محمد جواد حسینی - مهدیه خلیفات  
رضوان گشاوی - فاطمه آقازارتی - کلثوم حاجی لویی  
طراحی لوگو: شیما رحیمی



## امام خمینی (ره)؛ از مصلح دینی تا رهبر انقلابی

دانشگاه در آمریکا، «با تبعید آیت الله خمینی، ویژگی های شخصیتی او همچون جسارت و رویارویی با شاه، رهبریت معنوی، قدرت تکلم با زبان قابل فهم برای مردم عادی و توانایی متحد ساختن گروه های مختلف باهم، در ذهن ملت یکجا گرد آمد و از اسطوره ای ملی ساخت.»

می توان توصیف امام از حکومت پهلوی را در این جملات امام خلاصه کرد: «خسارات جانی این پدر و پسر برای ملت ما بار آورده اند، قبرستان های ما را اینها آباد کردند و خانه ها را خراب و مملکت را خراب، مملکت ما ویرانه ای شده است به واسطه بودن این شخص و پدرش در این مملکت و حکومت کردن آنها. و به دست حکومت های بزرگ اینها را به ما سلطه دادند»

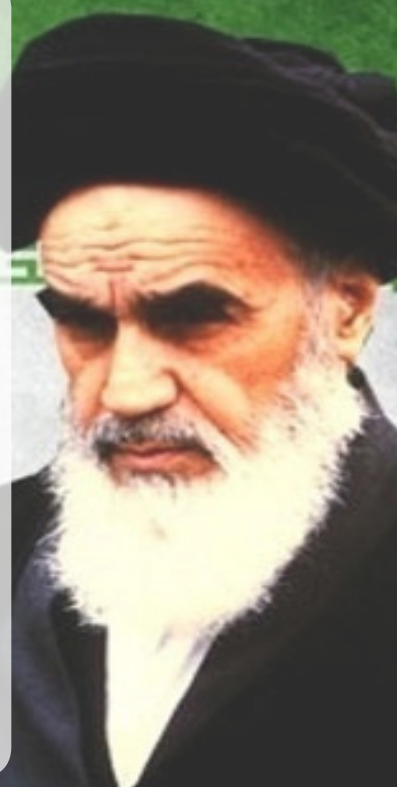
برگرفته از نشریه خط امام شماره ۶۴

دانشگاه ما آن طور عمل کردند که آنجا را به عقب کشانند، با ارتش ما آن طور عمل کردند در این طول پنجاه سال و بیشتر از پنجاه سال که ارتش ما را وابسته به غیر کردند، استقلال ما را از بین بردند.» یکی دیگر از اقدامات اعتراضی امام در اوائل تشکیل حکومت محمدرضا شاه، اعتراض به تشکیل دولت اسرائیل بود. لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی که در کابینه اسدالله علم در سال ۱۳۴۱ به تصویب رسید، یکی از جدی ترین تقابلات امام با حکومت پهلوی در استحاله و ضدیت با اسلام را رقم زد. با فشار امام و علمای قم، در نهایت دولت علم مجبور به لغو لایحه در آذر سال ۱۳۴۱ می شود.

تصویب قانون کاپیتولاسیون در ۱۴ مهر ۱۳۴۳ و اعتراض امام (ره) به آن آغاز دوران تبعید ایشان به ترکیه را رقم زد. به عقیده محسن میلانی، استاد

ویژگی های رفتاری امام خمینی (ره) با حکومت پهلوی و تفاوت بنیادی مبارزات ایشان با دیگر شخصیت های روحانی و رهبران مبارزات انقلابی از یکسو و شکل گیری تصور تاسیس حکومت آرمانی اسلامی مبتنی بر عدالت و آزادی و استقلال، گرایش به امام خمینی (ره) را به حدی رساند که در تاریخ روحانیت بی نظیر بوده است. عدم سازش پذیری خاندان پهلوی و حرکت در مسیر حذف شعائر اسلامی از جامعه و افزایش وابستگی به غرب، روند سیر تطور رفتاری امام (ره) را از نصیحت و تلاش برای تغییر رفتار حکومت به سمت تغییر و سرنگونی سلسله پهلوی پیش برد.

امام (ره)، روحانیت ستیزی رضاشاه را از خطاهای مهم او می داند. ایشان در یکی دیگر از بیانات خود عنوان می کنند: «... با روحانیت آن کرد که مغول با هیچ ملتی نکرده است، با



## کف خیابون

اطلاعات بوده است. این شخصیت جذاب با داشتن ویژگی هایی همچون هوش، قدرت بدنی و توانایی های جسمی بالا، شجاعت، داشتن روحیه ی بالای ایناروفداکاری نقش پررنگی در پیشبرد داستان ایفا میکند. برای مثال در بخشی از این کتاب میخوانیم: خوب من یک زن بوده هستم. هم جای خواب میخواستم و هم لقمه ی نانی که بتوانم بخورم و بدانم که بعدش مسموم نمیشوم و زنده میمانم و هم مسولیت و برنامه ی شخصی را بیدنبال کنم و گزارشش را بفرستم. من کل ۱۰ روز که آنجا بودم، فقط آب و میوه خوردم. روزی ۳،۴ تا میوه که از پادرنیایم. در کل آن ۱۰ روز کمتر از ۳۰ ساعت خوابیدم.

در ادامه توجه شمارا به یکی از اعجاب انگیزترین قسمت های کتاب جلب میکنم که بدین شرح است: بازجویی از یک فاحشه: «گفت باید حواس همه روبه مسئله ی حجاب و بی حجابی و تن و بدن دختران و زنهای جلب میکردیم. عفت کاری کنین از بالای منبرهای مساجد و صداوسیما و آخوند و حزب

سلام به خون های جاری کف خیابان، سلام به دنده های شکسته و پهلوی ورم کرده، سلام به بازوی خورد شده سلام به سرگردن متلاشی... کتاب مستند داستانی کف خیابون نوشته ی محمدرضا حداد پور جهرمی، به بررسی رویدادهای خاصی پرداخته که حاصل اطلاعات سوخته ی جمع آوری شده توسط نویسنده است که به شکل داستان درآمده و میهمان خلوت هزاران هزار جوان مومن انقلابی بوده است. متن داستان به زبان محاوره و بسیار بی تکلف نگارش یافته که میتوان ارتباط خوبی با آن برقرار کرد. داستان رامامورامنیتی دخیل در حوادث ۸۸ روایت میکند. بخش اصلی داستان با بررسی پرونده ی خودکشی یک نوجوان ۱۶ ساله بنام افشین آغاز و آرام آرام با ورود شخصیت های مختلف. استان همچون: افسانه، رویا، کوروش، عفت، ندا، ابوالفضل، ۲۳۳، عبداللهی و... به جذابیت آن افزوده میشود. یکی از شخصیت های داستان بانوی گمنامی است بانام مستعار ۲۳۳ که از ماموران امنیتی سازمان

الهی هافقط حرف از حجاب و مبارزه با بدحجابی شنیده بشه، تیرهمه ی منبرها و نماز جمعه ها! حتی یه بار عفت میگفت: وقتی صدای داد و بیداد امام جمعه هارو شنیدین که دارن به خاطر حجاب داد و بیداد میکنن حرف های خاص دیگه ای نمی زنن بدویند دارین موفق میشین! و وقتی شما هم موفق بشین، موفقیت بقیمون هم تضمینه.» و اما کلام آخر: اگر هدف شما خواندن داستان، روبه روشن شدن باهیجان واقعی و بی بردن به واقعیت های رخ داده در واقعه ی ۸۸ است این کتاب به شما پیشنهاد میشود.

## عروسک گردان نمکدان شکن



به برکت سینمای پس از انقلاب و از زمانی که بنیاد فارابی دایر شد و از اندیشه های متفاوت در سینما سخن گفت، شروع شد

سوالی ذهنم را درگیر کرده... هنرمند ۵۶ ساله ای که فعالیت حرفه ای خود در سینما را پس از انقلاب آغاز کرده و به شهرت رسیده، چگونه علیه پیشینه ی خود قیام میکند؟ اما...

وقتی عکسش را در کنار دبیر جشنواره و با اندکی فاصله از وزیر ارشد میبینم به این نکته پی میبرم که اپوزیسیون نمایی و خود مظلوم پنداری به یک رویه در برهوت سینمای ایران تبدیل شده، یعنی لب های خندان برای روسا(به عکس افطاری پرزیدنت دقت شود) و چشمان اشکبار و درد دل های غیرقابل پخش برای مردم

گویا لگد زدن به سفره هنگام پا شدن، از الزامات روشنفکری است توی زمستون چیزی رشد نمیکند خانم معتمد آریا اگه چهل ساله داری رشد میکنی و به موفقیت های دلخواهت رسیده ای حتما بهار بوده و شرایط برای رشد فراهم. این انقلاب بهار بوده حتی برای مخالفینش حتی برای شما خانم معتمد با ریا... حتی برای عروسک گردان های شما حتی برای شما اپوزیسیون نماهای دست در جیب ملت!)

حتی بلد نیستید سیاه بازی را خوب اجرا کنید

راستی مگر این سیمین جشنواره ی فجر همان سیمینی نیست که در مصاحبه با صدای امریکا دلیل افول سینمای بعد انقلاب را حذف عوامل کشش از دید خودش در فیلمنامه ها(سکس، شراب و خشونت)عنوان کرده بود! این سیمین مگر همان سیمینی نیست که با "دالایی لاما" رهبر بودائیان میانمار که طی سالهای گذشته دستور به آتش کشیدن مسلمانان میانمار را داده بود دیدار کرد مگر همان نیست که هرطور دلش میخواست لباس پوشید کشف حجاب کرد؟ و از روبروسی با مردان نیز خودداری نمود؟

قبول ندارید این انقلاب را؟ سمعا و طاعتا، اما پس چرا در مراسم افطاری رئیس جمهورش شرکت میکنید؟ چرا در جشنواره اش شرکت میکنید؟! بوی خوش جایزه به مشامتان رسیده یا میخواهید ارزش هارا عوض کنید. چطور بردن جایزه از فجری که زجرش میدانید از گلویتان پایین میروند؟ شما به اندازه ی یک تندیس و سیمرغ هم عقایدتان را قبول ندارید؟ شما از یک لوح و تندیس جشنواره ای که نه تنها قبولش ندارید که با تمام توان مقابلش هم ایستاده اید نمیگذرید، شما حتی باور های خودتان را هم باور ندارید، و گرنه از چیزی که به آن اعتقاد ندارید تناول نمیگردید، رایگان خوری نمی کردید. یادتان نمی آید؟ سیمینی بودید که نه چندان زیبا بود و نه هیچ جذابیت زنانه ای داشت. وقتی وارد سینما شدی همه با تمسخر میگفتند این کیست؟ و چگونه می خواهد بازیگر شود. اما فاطمه معتمد آریا شدن همچون سیمینی

حجاریان به عنوان تئوریسین اصلاحات در رابطه با انتخاباتی که منتهی به بدترین انتخاب تاریخ جمهوری اسلامی(روحانی) شد گفته بود ما بایستی شعارهای خود را از دهان سلبریتی ها به گوش مردم برسانیم. چرا؟ چون او هم فهمیده بود که ما چقدر سلبریتی ها را جدی گرفته ایم. یک بازیگر، فقط خوب نقش بازی می کند یک خواننده، فقط صدای خوب و هوش موسیقایی دارد یک رقص، صرفا خوب تکان و قر می دهد.

اما حجاریان خوب فهمید که مردم بخاطر حب این «فقط ها» رگ و خون و آینده و وطن می دهند! لذا در جایگاه یک روشنفکر بجای اصلاح اجتماعی به دامن زدن به این حفره ی فرهنگی پرداخت؛ پس سلبریتی ها را علم کردند، و شد آنچه شد.

چند شب پیش بود که در افتتاحیه ی جشنواره ای که دور هم جمع شده اند تا خودشان، خودشان را تجلیل کنند و نان به هم قرض دهند گفت، قصد گله ندارم اما داشت

در دقایقی از صحبت هایش پشت آن تریبون تصور کردم بانو پوری بنایی، مرحومه نادره و یا سرکار خانم فخری خوروش است که عمده ی سالهای فعالیت خود را پیش از انقلاب سپری کرده، اما ناگهان به خود آمد و متوجه شدم عمر فعالیت های هنری خانم معتمد آریا به سالها بعد از انقلاب سنجاق می شود و اگر شهرت و محبوبیتی نصیب ایشان شده به واسطه ی حضور در آثار سینمایی و تلویزیونی پس از انقلاب است

## سگ های ادم خوار



خوراک سگ های آدم خواری و قربانی زندگی به اصطلاح لاکچری صاحبانشان شوند .

نظیر این قربانی ها بهاره ده ساله است که در اوج کودکی خود قربانی اشراف گرایی و تحمل گرایی همین افراد در پارک شده است و دردی را تحمل میکند ک به عمق وجودش نفوذ کرده و این روزها طبق گفته خانواده اش کابوس هر لحظه اش شده است.

این درد، فقط درد بهار نیست. این درد، دردی است بر روی دردهای دیگر جامعه که دل ملت را زرده کرده است.

بد نیست کمی با خود خلوت کنیم بیاندیشیم که سود و ضرر اعمال صرفا تقلیدی ما چیست . شاید وقت آن شده است که سکوت نکنیم و اینبار از کنار این اشرافیت سیاسی به آسانی کنار نرویم. به راستی چندبار باید اتفاق هایی نظیر این رخ بدهد و چند بی گناه باید قربانی شوند که مسئولان به خودشان بیایند و به جای فکراه چاره بعد از اتفاق ناگوار و پیدا کردن راه فرار برای خودشان، از زخ دادنش جلو گیری کنند.

این روزها متأسفانه شاهد جابجایی مرزهای فرهنگی و فکری توسط عده ای به اصطلاح روشنفکر هستیم که از فرهنگ اصیل ما بدور است. به طوریکه امروزه امری چون سگ بازی و سگ باز بودن نه تنها ناپسند نیست، بلکه تبدیل به نشانه روشنفکری و اسباب فخرفروشی و جلوه گری عده ای از مرفهان بی درد جامعه فراهم کرده است که با الگو گرفتن از سبک زندگی غربی سعی در خودنمایی دارند.

در این روزها فشار اقتصادی زندگی جمع کثیری از مردم را تحت شعاع قرار داده، طوریکه دغدغه ی مهم زندگیشان امرامعاش است ولی از آنسو دغدغه ی عده ای اصالت سگ هایشان و فراهم کردن شرایط ایده ال برای آنهاست و اوقات فراغت خود را با خوشگذرانی با سگ هایشان پرمیکنند.

این سوی جامعه علاوه بر هزار مشکلی که روز و شب با آن ها سرمیکنند، باید مراقب دغدغه ای تازه نیز باشند. باید حواسشان باشد که میادا



بچه های یک کله گنده در #لواسان سگهای هارشان را توی پارک ول داده اند. آسگ دست و پای دختر بچه ۱۰ ساله را پاره کرده. پدرش امروز میگفت: چون شکایت کردم کله گنده گفت برو بین قانونت جکاری برات میکند. میگفت: دخترم در خواب جیغ میکشد! میترسید اسم کله گنده را بگوید! در #لواسان چه میگردد؟

